

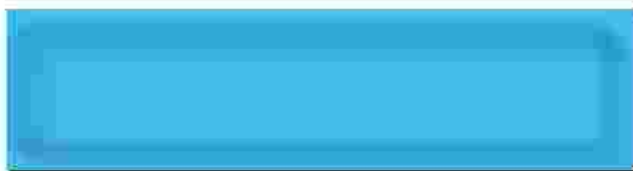
آیین زندگی

فصل نامه علمی، آموزشی انجمن علمی-دانشجویی
تربیت مربی مراکز پیش از دبستان

مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشتازان آیین زندگی

سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۹۸، تیراژ ۱۵۰
شماره مجوز: ۹۷/۰۹/۰۹/۱۲۱۰





چگونه درباره‌ی عادات بازی کردن با فرزندان صحبت کنید؟ صفحه ۱

بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری از دیدگاه صاحب نظران و مسوولان آموزش و پرورش

صفحه ۳۰۳

ناتوانی‌های یادگیری کودکان و آنچه والدین باید درباره‌ی آن بدانند صفحه ۴۰۵

تحلیل مسئله خودکشی صفحه ۷ و ۷

بیوترونیسم و تهدیدهای نوین صفحه ۸ و ۹

صاحب امتیاز: مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشگازان آئین زندگی
مدیرمسئول: شکوفه پیروز
سر دبیر: پروانه افشانی
هیئت تحریریه:
مهرنگیز میکائیلی، بهار رحیمی نصر آباد، مرده جان، خلیل شیروانی
همکاران این شماره:
علی اسلامبولچی مقدم، علی نوری، پروانه افشانی، مرده جان، خلیل شیروانی
ویرایش: رویا بیدی
تایپ: ریحانه راستگو
هماهنگی و روایت عمومی: غلامرضا طالایی زاده
چاپ و تکثیر: مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشگازان آئین زندگی
رایانامه: aienezendegy@yahoo.com
تلفن: ۴۴۲۳۵۱۲۱
آدرس: یلوار اشرفی اصفهانی، نرسیده به پل همت، خیابان قموشی (پارک) شهرک همای جنوبی، مرکز آموزش علمی- کاربردی
شرکت تعاونی پیشگازان آئین زندگی

چگونه درباره‌ی عادات بازی کردن با فرزندان صحبت کنید؟

بازی‌های ویدیویی مانند ورزش، موسیقی، تلویزیون، فیلم و هر آن‌چه بچه‌ها به صورت روزمره با آن سروکار دارند، بخش مهمی از زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهند. صحبت کردن درباره‌ی این چیزها با فرزندان‌تان روشی عالی برای حفظ مشارکت در خانواده است. همچنین طریح کردن مباحثی معتاد در باره‌ی اخلاق به ویژه در ارتباط با بازی‌هایی که فرزندان به آن‌ها علاقه نشان می‌دهند، روش دیگری برای برقراری ارتباط با فرزندان‌تان و درچه‌های برای عبور از دیواری است که معمولاً کودکان در مرحله‌ی ورود به نوجوانی به دور خود می‌کشند.

گریسون، جی، فرگوسن، رئیس بخش روان‌شناسی و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی تگزاس ای‌اند ام [JytsrevinU lanostanretni M&A saxeT]، مقالات متعددی در رابطه با مطالعات صورت گرفته درباره‌ی تأثیر استفاده‌ی بیش از حد رسانه بر کودکان نوشته است. فرگوسن می‌گوید: «اگر می‌خواهید که همین حالا با فرزندان‌تان در این مورد صحبت کنید، حواس‌تان به چگونگی مطرح کردن مسئله باشد، به‌پیش کشیدن این بحث در حال حاضر ممکن است در نظر کودکان رئیس‌ما باشد جلوه کند، این نکته را روشن کنید که متوجه این مسئله هستید که بازی‌های ویدیویی لزوماً به تیراندازی‌های دسته‌جمعی نمی‌انجامند!»

حتی در بهترین زمان‌ها نیز صحبت کردن درباره‌ی عادات مربوط به بازی کردن فرزندان‌تان با آن‌ها همیشه چندان ساده نیست. فرگوسن این کار را عملی شجاعانه می‌خواند، چون اغلب والدین می‌توانند به‌دشواری وارد موضوعاتی شوند که کاملاً آن‌ها را درک نمی‌کنند و اساساً به فضای فرزندان‌شان تجاوز کنند.

پاتریشا ونس، رئیس هیئت رده‌بندی نرم‌افزارهای سرگرمی (ای‌اس‌آرپی)، پیشنهاد می‌کند که والدین این کار را با آشنا شدن با بازی‌های فرزندان‌شان انجام دهند.

او می‌گوید: «بهترین شیوه نظارت بر بازی کردن بچه‌ها، فهمیدن این است که از انجام چه بازی‌هایی لذت می‌برند، چه چیزهایی در آن بازی وجود دارند و برای بچه‌ها چه چیز آن بازی جذاب است. هنگامی که والدین کار خود را با فهمیدن این نکات آغاز کنند، نه تنها بهتر می‌توانند ارزش بازی‌هایی را که فرزندان‌شان انجام می‌دهند درک کنند، بلکه شناسایی برخی خطرات بالقوه نیز برای آن‌ها ممکن می‌شود.»

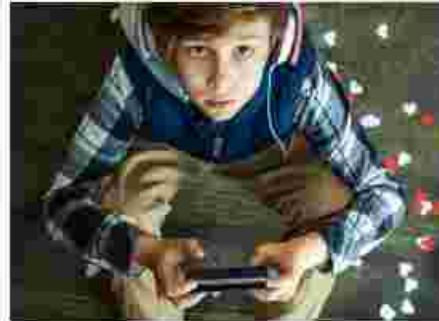
شش توصیه در گفت و گو با فرزندان‌تان

• این کار را زودتر انجام دهید: به محض آن‌که فرزندان‌تان شروع به استفاده از هر نوع رسانه‌ای کردند، این گفت‌وگو را با آن‌ها داشته باشید.

• کل‌گرایانه عمل کنید: گفت و گوی‌تان همه‌ی بازی‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، سایت‌ها و متن‌های فیس‌بوک را شامل شود. کل مصرف

رسانه‌ای فرزندان‌تان را در نظر داشته باشید.

• رده‌بندی: رده‌بندی‌های ای‌اس‌آرپی [رده‌بندی سنی مناسب با فرهنگ و هنرهای ایرانی] با عنوان «اس‌را» در سلیت بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در دسترس است [را بدانید و آن‌ها را درک کنید همچنین به خاطر داشته باشید که این رده‌بندی‌ها صرفاً راهنمای شما هستند، نه قوانینی سخت و سخت و غیرقابل تغییر.



• قوانین: ای‌اس‌آرپی توصیه می‌کند قوانین واضحی را در این رابطه وضع کنید که انجام چه بازی‌هایی مجاز است، چه زمانی و برای چه مدت زمانی می‌توانند بازی شوند.

• مکالمه: این صحبت کردن باید مکالمه‌ای دو سویه باشد، نه سخنرانی یک‌تیره. آماده باشید تا صحبت‌های فرزندان‌تان را هم بشنوید.

• بازی کردن: بازی کردن با فرزندان‌تان بهترین شیوه تأثیرگذاری بر عادات مربوط به بازی کردن آن‌ها و نظارت بر چگونگی رفتارشان است.

فرگوسن بر این باور است که بهترین راه انجام این کار این است که والدین آن بازی‌ها را همراه فرزندان‌شان انجام دهند. او می‌گوید: «کاری که واقعاً توصیه می‌کنم این است که در وهله‌ی اول والدین با بازی‌هایی که فرزندان‌شان انجام می‌دهند آشنا شوند. بسیاری از ترس و نگرانی‌هایی ما درباره‌ی بازی‌های ویدیویی ناشی از عدم شناخت آن‌هاست. مردم به نوعی در معنایی انتزاعی از «بازی‌های ویدیویی خشونت‌آمیز» می‌ترسند. به محض آن‌که متوجه شوند که چه اتفاقاتی در این بازی‌ها می‌افتد، در بسیاری از موارد خواهند گفت «اوه، به آن بدی که فکر می‌کردم هم نیست». اگر والدین چنین کنند، بهتر می‌توانند بفهمند که فرزندان‌شان در معرض چه هستند و چگونه در آن رسانه استفاده می‌کنند.

اگر با فرزندان‌شان بازی کنند و اگر موردی پیش بیاید که بازی‌ای محتوایی تهاجمی داشته باشد والدین بگویند: «نه، نه، نه، این بازی خیلی بی‌ش از از گلیش درازتر کرده است» در آن صورت حرف والدین اعتبار دارد. حالا دیگر این طور نیست که والدین بگویند «در تلویزیون دیدم که این بازی خوب نیست»، بلکه ماجر از این قرار است که آن را بازی کرده‌اند، امتحانش کرده‌اند، اجازه‌ی انجام بازی‌های دیگری را به فرزندان‌شان داده‌اند که در آن‌ها هم خشونت اندکی وجود دارد، اما این یکی دیگر خیلی بی‌ش از از گلیش درازتر کرده است»

فرگوسن در نهایت نتیجه می‌گیرد بچه‌ها

می‌بینند که تصمیم‌گیری والدین‌شان آگاهانه است، نه صرفاً واکنشی نسبت به گفته‌های دیگران. او می‌گوید: «والدین باید از انجام کارهایی همچون بیرون کشیدن بازی از دست فرزندان‌شان و حذف کردن آن اجتناب کنند». چنین واکنشی مانند سانسور کردن است و راه‌حل به شمار نمی‌آید.

در حالی حاضر ما در جهانی زندگی می‌کنیم که بچه‌ها در معرض بسیاری از چیزها قرار دارند که از کنترل ما خارج‌اند. شاید شما استفاده از رسانه‌ها را در خانه‌تان محدود کنید، بسیاری از بچه‌ها تلقین همراه با دسترسی به اینترنت دارند بنابراین حتی اگر در خانه بتوانید فرزندان را از رفتن به یوتیوب بازنگه‌دارید، ممکن است با گوشی دوستان‌شان همچنان به ویدیوهای یوتیوب دسترسی داشته باشند. به همین دلیل صحبت کردن مداوم با فرزندان‌تان درباره‌ی تعاملات‌شان و شنیدن دیدگاه‌های‌شان واقعاً مهم است. این کار به رشد توانایی آن‌ها در بررسی نقادانه‌ی رسانه‌ها و شکل‌دهی به دیدگاه‌های شخصی خودشان کمک می‌کند»

به گفته‌ی فرگوسن همراهی والدین و فرزندان در زمان بازی کردن موجب می‌شود فرزندان رفتارهای مثبتی پسندیده‌تری در موقعیت‌های عمومی از خود بروز دهند. او بر این باور است که با هم بازی کردن فرصتی فوق‌العاده را برای گفت‌وگو فراهم می‌آورد او می‌گوید: «فرصت فوق‌العاده‌ای برای یک والد است تا متوجه شود که چه چیز در رسانه‌ای که فرزندش استفاده می‌کند برای او ارزشمند است. همچنین فرصت خوبی برای والدین و فرزندان است تا با هم درباره‌ی مسائل بحث‌برانگیز گفت‌وگو کنند، به نظر می‌رسد گاهی داشتن چنین فرصتی برای صحبت کردن درباره‌ی درست و غلط و کارهایی که می‌توانیم یا نمی‌توانیم انجام دهیم، بسیار بسیار ارزشمند است.»

وقتی برای انتخاب رسانه‌ها در میان است، مهم است که والدین کیفیت و کمیت را با هم در نظر بگیرند. تعیین محدودیت‌هایی قطعی مهم است، چون ما خواهان برقراری تعادل سالمی میان فعالیت‌های آنلاین و آفلاین بچه‌ها هستیم، اما بدون براین، می‌خواهیم مطمئن باشیم که مدت زمانی که بچه‌ها صرف رسانه‌ها می‌کنند ارزشمند است. بسیاری از بازی‌ها ارزش‌های آموزشی فوق‌العاده‌ای دارند یا حتی صرفاً از نظر سرگرم‌کننده بودن ارزشمندند. مسئله‌ی کلیدی انتخاب کردن بازی‌های خوب و مناسب با سنی بچه‌هاست.

در نهایت، تمام کارشناسان بر سر این مسئله توافق دارند تصمیم‌هایی که یک والد در رابطه با بازی کردن فرزندان‌شان می‌گیرند، منحصر به فردند. تنها قانون استیانه این است که، هیچ قانونی وجود نداشته باشد.

ونس می‌گوید: «از آنجایی که این تصمیمات با توجه به حساسیت‌های والدین منحصر به فردند، در نهایت فقط دو چیز مهم است: آگاه شدن و حفظ مشارکت.»

نیه و تنظیم

مژده جالنده کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و مدرس مرکز

منبع: <https://fahmebazi.ir/garir>

بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری از دیدگاه صاحب نظران و مسؤولان آموزش و پرورش

مقدمه

در گذشته مدرسه و ساختار آموزشی آن - به مثابه یک سازمان در برگیرنده دو مؤلفه اصلی پرورش یعنی معلم و شرایط آموزشی داشته است. گرچه آموزش را باید فعالیت اجتماعی در نظر گرفت که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می گیرد تا مشاغل، نهادها و سازمان های ویژه ای را پدید آورد، اما تغییرات این فعالیت فرهنگی و زمینه این فعالیت را پیوسته در طول تاریخ دست خویش تغییراتی ساخته است (افضل نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲). امروزه بیشتر جوامع برای جبران عقب افتادگی ها، نظام آموزشی خود را مورد بررسی همه جانبه قرار می دهند و سعی می کنند هم گام با دیگر نهادهای اجتماعی جامعه از وسایل، مواد، تکنولوژی و فناوری های آموزشی به منظور افزایش بازدهی و کنترل سرمایه های انسانی و پاسخ گویی به نیازهای جوامع انسانی استفاده کنند. بیشتر این جوامع سعی می کنند از نتایج پژوهش ها و تجارب علمی سایر کشورها بهره گیرند. یکی از تجارب ارزنده که می تواند در مراکز و نهادهای آموزشی مطرح و واقع شود، استفاده از جنبه های مختلف تکنولوژی آموزشی و اهمیت شناخت دقیق و کاربرد وسایل آموزشی در فرایند تدریس و یادگیری است (مجدد، ۱۳۷۴، ص ۱۵).

بر اساس یافته های روان شناسی یادگیری، دانش آموزان از طریق دیدن و به کارگیری وسایل مختلف، مطالب درسی را بهتر و راحت تر می آموزند، زیرا وسایل آموزشی به سبب فعال کردن حواس مختلف دانش آموزان، امر آموزش را واقعی تر، عملی تر و دل پذیرتر می سازد. امروزه استفاده از وسایل آموزشی به عنوان یک روش دست یابی به آزمون تعیین فرست های برای آموزش مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش ها نشان می دهد کشورهایی که از تکنولوژی آموزشی به طور معقول و مطلوب بهره گرفته اند، بسیاری از مشکلات آموزشی خود را از بین برده و یا کاهش داده اند. برنسه های قرن آوری آموزشی در آموزش و پرورش باید کیفیت بخش نظام آموزشی باشد و استفاده از قابلیت های نوین، می تواند گام مؤثری در راستای برنسه تحول در آموزش و پرورش به شمار آید (عباسی، ۱۳۷۱، ص ۱۷).

با وجود ورود فناوری آموزشی به نظام آموزشی و برگزاری کارگاه های آموزشی و دوره های ضمن خدمت برای کارکنان و معلمان، این سؤال مطرح می شود که چرا استفاده از فن آوری های آموزشی در فرایند تدریس و یادگیری به کندی پیش می رود و یا دارای وضع مناسبی نیست (مشایخی، ۱۳۷۲، ص ۴۲).

عوامل زیادی در عدم به کارگیری تکنولوژی آموزشی توسط معلمان دخیل هستند. از جمله این عوامل می توان به عدم اطلاع معلمان از مفهوم تکنولوژی آموزشی، تراکم دانش آموز در کلاس،

عدم تمرین عملی معلمان در مراکز تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت، عدم امکانات فیزیکی و تجهیزات کافی در مدارس، عدم تطبیق محتوا و حجم کتاب های درسی با ساعت های کلاسی درس در هفته و استفاده معلمان از روش سنتی تدریس به علت عادت و ساده بودن، اشاره کرد.

مفهوم تکنولوژی و تکنولوژی آموزشی

تکنولوژی از تکنولوژی به معنی انجام دادن نظام دار یک هنر یا حرفه است. بخش اول این کلمه (techno) تلفیقی از معنای یک هنر و یک فن مشتمل بر دانش مربوط به اصول و توانایی دست یابی به نتایج مورد نظر است. به عبارت دیگر فن به معنای مهارت های عملی مانند دانستن و انجام دادن است. ریشه کلمه (logos) نیز به معنای استدلال، تبیین اصل و ارایه دلیل است. بنابراین تکنولوژی به معنای به کارگیری مستقل یا منطقی دانش خواهد بود. پس تکنولوژی به معنی دانش کاربردی در مقابل علم محض است. این کلمه در اصل از دو کلمه تکنیک و "لوژی" تشکیل شده است. تکنیک به معنای انجام دادن مهارت های هر کار، "لوژی" معادل پسوند "شناسی" و به معنای "علم و دانش" است. (فردانش، ۱۳۹۳، صص ۱۱ و ۱۰). تکنولوژی آموزشی عبارت است از "مجموعه روش ها و دستورالعمل هایی که با استفاده از یافته های علمی برای حل مسائل آموزشی اعم از طرح، اجرا و ارزشیابی در برنامه های آموزشی به کار گرفته می شود" (فردانش، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

آخرین تعریف مورد توفیق صاحب نظران تکنولوژی آموزشی را انجمن تکنولوژی آموزشی و ارتباطات آمریکا (AECT) چنین بیان کرده است: تکنولوژی آموزشی عبارت است از نظریه و عمل طراحی، تهیه (تولید)، استفاده (کاربرد)، مدیریت و ارزشیابی فرایندها و منابع یادگیری" (فردانش، ۱۳۹۳، ص ۱۷). به طور کلی دلایل استفاده از مواد و وسایل آموزشی را می توان تحت سه عنوان عضلات آموزشی، نقش حواس در یادگیری و نقش مواد و وسایل آموزشی در یادگیری مورد بررسی قرار داد (احمدیان، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

کمبود منابع مالی و امکانات آموزشی و توسعه روز افزون نیازهای آموزشی که متغیر از رشد سریع جمعیت و پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی است، آموزش و پرورش را مجبور می سازد که اقتصادی ترین راه را در شیوه های آموزشی به کار گیرد. مشروط به این که به کیفیت آموزشی تأکید شود و در مقطع کوتاه تری حجم وسیعی از دانش و مهارت ها آموخته شود به طوری که کارایی درونی نظام آموزشی از نظر ضایعات و افت تحصیلی کاهش یابد و با یادگیری مؤثر و عمیق تر، ثبات منفی های فراگیران متناسب با نیازهای فکری و جامعه هماهنگ شود تا کارایی بیرونی نظام آموزشی افزایش یابد. امروزه به کارگیری روش های مؤثر آموزش و یادگیری و تنظیم تمام شرایط یادگیری به طور منظم ثابت نموده است که هر درس و هر موضوعی را با مجموعه عناصر مرتبط و هماهنگ با هم، بهتر می توان آموزش داد. با ارایه آموزش بهتر تا حد بسیار زیادی کیفیت یادگیری را می توان افزایش داد. اما متأسفانه تاکنون در جامعه چنین شرایطی در آموزش و پرورش حاکم نبوده و عدم استفاده از شیوه های علمی و تکنولوژیکی در تدریس و یادگیری به

نظام آموزشی آسیب زیادی وارد ساخته است. به نظر می رسد که موانع و مشکلات عمده ای در استفاده از تکنولوژی آموزشی وجود دارد. برای بالا بردن کیفیت آموزش و صرفه جویی در امکانات و بهره جویی مؤثرتر نظام آموزشی لازم است که در شیوه های آموزش تغییر صورت گیرد و با استفاده از تکنولوژی آموزشی متناسب با هر موضوع درسی مجموعه اینها را و روش های مناسب به کار گرفته شود. لازمه به وجود آوردن چنین شرایطی در آموزش و پرورش، پژوهش در مسائل مربوط به تکنولوژی آموزشی است تا بر اساس شناخت دقیق موانع و عوامل تسهیل کننده، استراتژی توسعه تکنولوژی آموزشی در مدارس را فراهم سازد.



بیان مسئله

تکنولوژی آموزشی به عنوان مهندسی نظام های آموزش و یادگیری در آموزش و پرورش مطرح است. اما با نظر به تجارب به دست آمده از نظام آموزشی جامعه ما و شواهد موجود ملاحظه می شود که چنین نظر و دیدگاهی در نظام تدریس و یادگیری ما حاکم نیست و علی رغم توسعه رشته تکنولوژی آموزشی در دانشگاه های کشور و تدریس درس تکنولوژی آموزشی و روش های پیش رفته تدریس و کاربرد مواد آموزشی و تمرین های دبیری در دانش مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها، فقدان تفاوتی در تدریس و شیوه آموزش به عمل نیاورده و با وجود برخی امکانات سمعی، بصری و آزمایشگاهی در مدارس، استفاده اصلی از آنها صورت نمی گیرد.

برای توسعه تکنولوژی آموزشی، شناسایی عوامل مؤثر بر بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در نظام آموزش و پرورش، امری ضروری است. پژوهش گران زیادی بر روی کاربرد تکنولوژی آموزشی به مطالعه پرداخته اند، که هر کدام به ایجاد گوناگونی از موانع اثر گذار به عدم استفاده از ایجاد گوناگون تکنولوژی آموزشی از جمله شواهد اشاره داشته اند. برای نمونه در پژوهش مشایخی (۱۳۷۲) به عدم آشنایی معلمان با تکنولوژی آموزشی، در پژوهش نظری (۱۳۷۳) به حجم بودن کتاب های درسی و مشکلات مرتبط با محتوای آن ها، در پژوهش زمین (۲۰۰۴) به روایت رشدپذیری، به مقاومت معلمان در برابر استفاده از تکنولوژی آموزشی، و در پژوهش سالیان (۲۰۰۳) به وجود ضعف معلمان معلمان در استفاده از تکنولوژی آموزشی پرداخته شده است. با توجه به منابع فوق، در این پژوهش به جای استفاده از نظرات معلمان یا سایر دست انداز کاران مدرسه، دیدگاه منابع بالا دستی مورد بررسی قرار گرفته است، تا از نظر این گروه از متخصصان منابع اثر گذار در این حوزه مورد

پرسی و مداخله قرار گیرد.

پنا توجه به مبانی نظری طرح شده پژوهش حاضر به دنبال مشخص نمودن منابع و اولویت بندی آنها در ارتباط با بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در مدارس است. که با استفاده از یافته های آن، صاحب نظران و دست اندرکاران بتوانند به منظور رفع منابع و مشکلات موجود برای هموار نمودن زمینه مناسب از تکنولوژی آموزشی در فرآیند یاددهی-یادگیری بهره مند شوند.

فرضیه های پژوهش

پنا توجه به هدف های پژوهش فرضیه های قرار زیر تدوین شدند:

- بین مهارت و دانش نیروی انسانی و به کارگیری تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین نگرش معلمان نسبت به تاثیر تکنولوژی آموزشی و بهره گیری از آن، در جریان تدریس و یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین برنامه ریزی درسی مناسب یا اصول تکنولوژی آموزشی و بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین وجود وسایل آموزشی، فضا و امکانات مناسب و بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین نحوه ی ارزشیابی از عملکرد معلمان و بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پناثر ماهیت موضوع و هدف های پژوهش، فرضیه های تدوین شده و هم چنین ویژگی های پژوهش در علوم انسانی و محدودیت هایی که در پژوهش های علوم تربیتی وجود دارد، پژوهش از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

در این پژوهش تمامی متخصصان، صاحب نظران و مسئولان ذی ربط در آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان جامعه انتخاب و از میان آنها ۵۰ نفر به صورت در دسترس و بر اساس تخصص، مسئولیت و سابقه کار، به عنوان نمونه انتخاب شدند و از آنها مصاحبه به عمل آمد.

ابزار جمع آوری داده ها

از مصاحبه برای جمع آوری داده ها استفاده شده است. با توجه به هدف های پژوهش ابتدا ۱۰ سوال طراحی گردید، سپس با مشورت افراد متخصص مورد تجدید نظر قرار گرفتند و در نهایت به ۵ سوال تقلیل پیدا کردند.

برای اطمینان از روایی صوری، سوال های مصاحبه در اختیار سه نفر متخصص تکنولوژی آموزشی قرار گرفت که هر سه نفر روایی صوری سوال ها را تایید کردند. فرایند مصاحبه به صورت رو در رو انجام گردید و برای اطمینان از دقت در اطلاعات، فرایند مصاحبه ضبط گردید.

یافته های پژوهش

لازم به توضیح است داده های حاصل از مصاحبه با استفاده از سوال های کاملاً باز (تشریحی) از نمونه ها جمع آوری شده است. به منظور تحلیل

مناسب پاسخ های مصاحبه شوندگان به سوال ها، ابتدا پاسخ ها در پنج طبقه تقسیم بندی شدند و در مقیاس لیکرت قرار گرفتند. در ادامه پاسخ های نمونه ها به سوال های مصاحبه به ترتیب در جدول های جداگانه با استفاده از آزمون آماری فریدمن مورد تحلیل قرار گرفتند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی منابع بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در تدریس و یادگیری انجام شد. روش پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تمامی متخصصان، صاحب نظران و مسئولان ذی ربط در آموزش و پرورش و آموزش عالی را شامل می شود. که ۵۰ نفر با استفاده از روش در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. از مصاحبه برای جمع آوری داده ها استفاده شد. که ابتدا ۱۰ سوال تشریحی طراحی سپس با مشورت افراد متخصص مورد تجدید نظر قرار گرفت و در نهایت به ۵ سوال تقلیل پیدا کرد. برای اطمینان از روایی صوری، سوال های مصاحبه در اختیار سه نفر متخصص تکنولوژی آموزشی قرار گرفت که هر سه نفر روایی سوال ها را تایید کردند. برای ارضای فرضیه پژوهش در سطح معنی دار ($p < 0.05$)، آزمون آماری فریدمن محاسبه شد و نتیجه گرفته شد تفاوت معنی داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین خرده مقیاس ها در به کارگیری تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری وجود دارد. بنابراین با توجه به اطلاعات به دست آمده از آزمون فرضیه ها، می توان نتیجه گرفت که بین مهارت و دانش انسانی و به کارگیری تکنولوژی آموزشی، بین نگرش معلمان نسبت به تاثیر تکنولوژی آموزشی، بین برنامه درسی مناسب یا تکنولوژی آموزشی، بین وجود سخت افزار، وسایل آموزشی، فضا و امکانات آموزشی و بین نحوه ارزشیابی از عملکرد معلمان در بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در جریان تدریس و یادگیری، ارتباط معنی داری وجود دارد.

در تبیین نتایج فرضیه ها می توان گفت عموماً عواملی نظیر فقدان مهارت استفاده از تکنولوژی آموزشی، عدم برخورداری از فرهنگ استفاده از تکنولوژی آموزشی، عدم برخورداری از آموزش لازم، کمبود منابع مالی، عدم برخورداری از شناخت کافی، کمبود وقت تدریس، تراکم روزانه در مدارس، کمبود وقت تدریس، تراکم زیاد دانش آموز در کلاس، تحف، برنامه درسی، حجم زیاد کتاب درسی، کمبود وسایل آموزشی، مشکلات سخت افزاری و نرم افزاری در مدارس، عدم برخورداری از پشتیبانی فنی، بی توجهی به فعالیت های آزمایشگاهی، عدم تشویق معلمان در زمینه کاربند وسایل آموزشی و فقدان نظارت بر استفاده معلمان از تکنولوژی آموزشی، از سوی متخصصان، صاحب نظران و مسئولان به عنوان منابع بهره گیری معلمان از تکنولوژی آموزشی در فرایند تدریس و یادگیری اعلام شده است.

پیشنهادها

۱- برنامه ریزان درسی پس از تدوین هدف ها و سازماندهی محتوی، لازم است با گزینش مواد و وسایل آموزشی و سازماندهی آن ها و نیز فرستادن مواد آموزشی فردی و گروهی به مدارس اقدام به تهیه و تدوین کتاب راهنمای معلم برای

تدریس بهتر و یادگیری پایدارتر دانش آموزان کنند.

۲- لازم است نگرش معلمان نسبت به کلاس های ضمن خدمت تغییر یابد و بیش از آنکه مدرک به فکر تکمیل، اصلاح و ایجاد مهارت های جدید آموزشی باشند، پیشنهاد می شود در این دوره ها از اساتید و مدرسان مجرب استفاده و کلاس ها از حالت سخنرانی (معلم محور) به کلاس های درسی به صورت طرح مسایل غنی از سوی شرکت کنندگان (بحث و تبادل نظر در مورد موضوع درسی) تبدیل شود.

۳- مدیران مدارس با رعایت ضوابط و ملحوظ داشتن قوانین اداری نسبت به آموزش معلمان و در اختیار گذاشتن سخت افزارهای لازم نسبت به آموزش معلمان تمهیدات لازم را فراهم نمایند.

۴- ضرورت گذراندن دوره های کوتاه مدت تکنولوژی آموزشی (نه سمی و یصری) برای مدیران مدارس کمتر از معلمان نیست تا بتوانند با برنامه ریزی صحیح روحیه ابتداع و خلاقیت را در معلمان پرورش دهند.

۵- در موبسات آموزشی باید نظام ارتقاء ترفیع و پرداخت پاداش بر اساس لیاقت، شایستگی و کارایی معلمان باشد و افراد واجد شرایط و با صلاحیت علمی و تخصصی از طریق کاربند سلاک ها و ضوابط دقیق به ارزشیابی معلمان اقدام کنند.

۶- آزمایشگاه ها و کارگاه های مدارس برای استفاده از معلمان تجهیز شوند و تسهیلات لازم برای گردش علمی فراهم شود.

۷- با تخصیص منابع مالی بیشتر برای توسعه فضاهای آموزشی، تهیه وسایل پیش رفته و مناسب آموزشی، تقویت صنایع آموزشی در سطح کشور و تأسیس واحدهای منطقه ای برای تهیه و تولید وسایل، نیز می توان در رفع منابع موجود مؤثر واقع شد.

۸- با توسعه مدارس خصوصی و تشویق مردم به سرمایه گذاری در این امر برای کم کردن هزینه های آموزشی و نیز کاهش تعداد دانش آموزانی که باید از طریق مدارس دولتی تحت آموزش قرار گیرند، امکان رسیدگی علمی و معنی بیشتر از سوی معلمان تقویت تر خواهد شد.

۹- با ادغام مدارس کم جمعیت و تأسیس مجتمع های بزرگ آموزشی، فضاهای موجود در یک مرکز آموزشی را بنا توجه به موضوع درس تقسیم بندی و دانش آموزان کلاس سوار باشند.

۱۰- به منظور استفاده بهینه از امکانات آموزشی، مراکز مواد آموزشی (مراکز) با مواد و وسایل آموزشی بر پایه نیاز دانش آموزان و معلمان برای خدمات آموزشی برای تدریس بهتر معلمان) ثابت و سیار در ادارات آموزش و پرورش ایجاد شود.

۱۱- به منظور استفاده بهینه از دانش نظری و فنی کارشناسان تکنولوژی آموزشی، گروه ها و استادهای ویژه ای در مناطق و دایره آموزشی متشکل از یک نفر تکنولوژیست آموزشی و چند نفر با تجربه در هر رشته تحصیلی تشکیل شود تا اعضاات موجود آموزشی مناطق سخاان یابند.

تهیه و تنظیم:

خلیل شروانی

مدرس مرکز و دکترای مدیریت آموزشی و مدرس مرکز

ناتوانی‌های یادگیری کودکان و آنچه والدین باید درباره‌ی آن بدانند

مشکلات یادگیری کودکان در مدرسه اغلب باعث نگرانی والدین می‌شود. عوامل بسیاری باعث شکست‌های تحصیلی کودکان و دانش‌آموزان می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها "ناتوانی‌های یادگیری" ویژه است. هوش این کودکان معمولاً عادی است. آنها سخت تلاشی می‌کنند تا از برنامه‌های آموزشی پیروی نمایند، تمرکز داشته باشند و در خانه و مدرسه به نحو مستحضره‌ای رفتار کنند. اما متأسفانه با وجود سعی و تلاش بسیار باز در انجام تکالیف درسی ناموفق عمل کرده شکست می‌خورند.



از هر ۱۰ دانش‌آموز یک نفر ناتوانی یادگیری ویژه دارد. امروزه معتقدند علت ناتوانی‌های یادگیری ویژه، مشکلات و مسائل مربوط به دستگاه عصبی است که به قریب در یک‌هفتم از دانش‌آموزان و انتقال اطلاعات تأثیر می‌گذارد و کودکان و خانواده‌های بسیاری را گرفتار می‌کند. برخی از این کودکان بیش فعال نیز هستند به طوری که نمی‌توانند آرام به روی صندلی خود بنشینند، به راحتی دچار حواس پرتی می‌شوند و دافعه‌ی توجه‌شان نیز بسیار پایین است.

روان‌پزشکان کودک و نوجوان معتقدند که ناتوانی‌های یادگیری ویژه مربوط به اینکه به موقع تشخیص داده شوند، درمان پذیرند. هر چند که این ناتوانی در آینده مشکلات زیادی را پی در پی برای مبتلایان به وجود می‌آورد. برای مثال دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی که در درس ریاضی عمل جمع کردن را نمی‌تواند یاد بگیرد، مطمئناً در دوره‌های بالاتر تحصیلی در آموختن درس جبر با مشکل رو به رو خواهد شد. دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری ویژه تلاش زیادی می‌کنند تا مطالب درسی را یاد بگیرند ولی کمتر موفق می‌شوند. این امر باعث بروز مشکلات عاطفی مانند کاهش عزت نفس در آنها می‌شود. بعضی از این کودکان ترجیح می‌دهند با انجام رفتارهای ناپسند در مدرسه به عنوان دانش‌آموزان "بند" شناخته شوند تا دانش‌آموزان "کودن".

اما به راستی ناتوانی‌های یادگیری ویژه چیست؟

ناتوانی‌های یادگیری ویژه به معنی نارسایی در یک یا چند فرایند اساسی روان‌شناختی در زمینه‌ی فهمیدن و به کار بردن زبان اعم از کلامی یا نوشتاری است که به صورت نارسایی در زمینه‌ی گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، هجی کردن یا خواندن، نوشتن و حساب کردن بروز می‌کند.

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند و رشد جسمی‌شان حاکی از بهنجار بودن‌شان است، هوش کم و پیش‌عادی دارند، به خوبی حرف می‌زنند و مانند سایر کودکان بازی می‌کنند، مانند همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند، در خانه نیز خود یاری‌های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنها می‌سپارند، به خوبی انجام می‌دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند. لیکن زمانی که به مدرسه می‌روند و می‌خواهند خواندن و نوشتن و حساب‌یاد بگیرند، دچار مشکلات جدی می‌شوند. این کودکان به تدریج درمی‌یابند که سایر کودکان از نظر وضع درسی بهتر از آنها هستند و احساس حقارت را تجربه می‌کنند و کم‌کم به تازاری از درس و مدرسه در آنها به وجود می‌آید. والدین که اغلب از دلایل ناتوانی یادگیری آنها بی‌اطلاع‌اند، مشکل را بیشتر می‌کنند و با فشارهایی که به کودک وارد می‌آورند، دشواری را چند برابر می‌کنند.

اصطلاح "ناتوانی یادگیری ویژه" به وسیله‌ی روان‌شناسان و متخصصان

تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در حالی که پزشکان متخصص اختلال یادگیری را ترجیح می‌دهند. اگر چه تلاش فراوانی برای یافتن یک تعریف جامع در زمینه‌ی اختلالات یادگیری انجام گرفته است، ولی هنوز تعریف کلی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. این کودکان گروه ناهمگنی را تشکیل می‌دهند که ویژگی‌های بسیار متفاوتی دارند. اما باید در نظر داشت که همه‌ی کودکان و دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری ویژه ممکن است تمام این ویژگی‌ها را نداشته باشند و در عوض بعضی از افرادی که نارسایی ویژه در یادگیری ندارند، ممکن است بعضی از این ویژگی‌ها را داشته باشند. از این جهت که هر کودکی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد برای خود می‌باشد ممکن است فقط بعضی از این ویژگی‌ها در او وجود داشته باشند.

اگر چه نارسایی در درجه‌ی نخست بر جنبه‌های درسی کودکان تأثیر می‌گذارد، اما باید در نظر داشت که حوزه‌های دیگری چون حوزه‌های اجتماعی و شغلی فرد هم به نوعی از آن متأثر می‌شوند و در بسیاری از موارد نیز بر روی بهداشت روانی و عزت نفس فرد اثر منفی می‌گذارد، افزون بر این، مشکلات همبده هم چون اختلال نارسایی توجه همراه با بیش فعالی، افسردگی و مشکلات عصبی نیز ممکن است در کنار آن وجود داشته باشند. بنابراین، کودک ممکن است بیش فعال، بی‌توجه و در عین حال ناسازگار باشد، اما برای ساده شدن موضوع می‌توان این ویژگی‌ها را در گروه‌های زیر طبقه بندی کرد:

- اختلالات حرکتی شامل (بیش فعالی، کم‌فعالی، ناهماهنگی، و تکرار)
 - اختلالات عاطفی - اجتماعی
 - اختلالات ادراکی
 - اختلالات تدریسی شامل (اختلال دریافتی شنیداری، اختلال دریافتی دیداری، اختلال بیانی کلامی، و اختلال بیانی حرکتی)
 - اختلالات توجه شامل (عدم توجه، و توجه بیش از اندازه)
 - اختلالات حافظه
 - اختلالات زبانی
- تفویضات گوناگونی در این که چگونه اختلالات یادگیری ویژه به وجود می‌آیند، ابراز شده است که هر کدام این نظریات سعی کرده‌اند عوامل گوناگونی را برای آن در نظر بگیرند. متهمی باید در نظر داشت که به تدریج می‌توان یک عامل واحد را به عنوان ایجاد کننده‌ی نارسایی در نظر گرفت بلکه بهتر است گفته شود که پدیده‌ی پیچیده‌ای مانند اختلال یادگیری در اثر تعامل چندین عامل گوناگون به وجود می‌آید.
- بعضی از این عوامل به عنوان اصلی نارسایی در نظر گرفته می‌شوند در حالی که بعضی دیگر ممکن است عامل تسهیل کننده‌ی شرایط باشند و بنابراین هر کودکی باید در تمام زمینه‌ها مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد تا مطمئن حاصل شود چه گسشی تحت این عنوان قرار می‌گیرند. عوامل ایجاد کننده و یا تسهیل کننده‌ی ناتوانی‌های یادگیری ویژه را به صورت زیر طبقه بندی می‌کنند:
- عوامل محیطی شامل: خانه، مدرسه و اجتماع
 - عوامل عاطفی
 - عوامل فیزیکی مانند: اختلالات شنوایی، اختلالات بینایی، و تفاوت‌های جنسی

تحقیقات اولیه نشان دهنده‌ی این است که پسران بیشتر از دخترها در معرض ناتوانی‌های یادگیری ویژه قرار می‌گیرند. دامنه‌ی این تفاوت بین ۸ تا ۱۰ برابر است. هر چند ناتوانی‌های یادگیری ویژه اصولاً مسئله‌ای آموزشی است، اما از جنبه‌های مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از تلاش‌ها از فرضیه‌ی نقص جزئی در مغز سود می‌جویند و بدین ترتیب می‌گویند تا با ارزیابی مسائل فرض شده‌ی مربوط به این نقص زیستی، مشکل را برطرف کنند. از جمله شیوه‌های درمانی رایج بر این اساس می‌توان به درمان رایج بر تگرش‌های "ادراکی-حرکتی" اشاره کرد. در این شیوه، تلاش می‌شود تا موقعیت‌هایی برای کودک فراهم شود تا بتواند اطلاعاتی را از محیط دریافت کند، به یکدیگر ارتباط دهد و آنها را درایند از روش‌های درمانی دیگر می‌توان به روش دیداری - حرکتی "فرآستیک" و شیوه‌های رفتاری اشاره کرد. برخی از متخصصان حرفه‌ی پزشکی نیز معتقدند باید به این دسته از کودکان دست کم به طور آزمایشی دارو تجویز کرد. با این حال، در باره‌ی تأثیرات دارو درمانی روی دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری ویژه مطالعات انجام شده، بسیار

اندک است از سوی دیگر، در نظر گرفتن امکانات آموزشی ویژه برای این کودکان، مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، استفاده از اتاق مرجع یا کلاس‌های ویژه، یا این حال مسئله‌ای جای‌دهی کودکان و دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری ویژه در کلاس‌های مختلف هنوز مورد بحث بسیاری از متخصصان آموزش و پرورش است.

والدین این کودکان چه چیزهایی را باید بدانند:

والدین باید نسبت به شایع‌ترین علائم هشدار دهنده‌ی ناتوانی‌های یادگیری ویژه آگاهی داشته باشند. برخی از این علائم عبارت‌اند از وقتی کودک:

- به سختی مطالب درسی را قلمی گیرد.
- به سختی مطالب درسی را به یاد می‌آورد.
- در انجام تکالیف درسی و کسب مهارت‌های خواندن، نوشتن، ریاضیات، اسلا و آشنا با شکست رو، به رو می‌شود.
- به سختی جهت‌های چپ و راست و کلمات را تشخیص می‌دهد و حروف، اعداد و کلمات را به صورت قرینه می‌نویسد.
- تیزاب و هم آهنگی در راه رفتن، انجام حرکات بدنی و کسب مهارت‌های حرکتی ظریف مانند بستن بند کفش یا گرفتن مداد را ندارد.
- به راحتی کتاب‌های درسی، دفتر مشق و سایر وسایل خود را گم می‌کند، و یا در جایی غیر از جایی خودشان می‌گذارد.
- مفهوم زمان را به درستی درک نمی‌کند و در به کار بردن مفاهیم «دیروز»، «امروز» و «فردا» مرتکب خطا می‌شود.

در صورت مشاهده‌ی علائم فوق حتماً یا یک روان‌پزشک کودک و نوجوان یا روان‌شناس متخصص و کارآموده در حوزه‌ی ناتوانی‌های یادگیری ویژه تماس بگیرید تا کودک شما را مورد ارزیابی جامع قرار دهد او با همکاری کارکنان مدرسه و سایر متخصصان می‌تواند ارزیابی دقیقی از وضعیت فرزند شما به عمل آورد و با اجرای آزمون‌های تحصیلی مناسب تعیین نماید که آیا کودک شما دچار ناتوانی‌های یادگیری ویژه است یا خیر؟

این بررسی، انجام مصاحبه با کودک و شما، ارزیابی وضعیت خانوادگی‌تان، اجرا و بازیابی نتایج آزمون‌های تحصیلی و مشاوره با کارکنان مدرسه را شامل می‌شود. پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم درمانگر جایگاه آموزشی فرزند شما را تعیین کرده نیازهای آموزشی و توان بخشی خاص او را مشخص می‌نماید. به علاوه شما را نیز راهنمایی می‌کند تا به فرزندتان کمک کنید تا حداکثر توان یاد بگیرد. گاهی انجام روان‌درمانی فردی یا خانوادگی را توصیه می‌کند. ممکن است جهت درمان یا تعدیل بیش‌فعالی، آشفتگی و حواس‌پرتی کودک شما داروهای مناسبی را نیز تجویز نماید. در این گونه موافقت تقویت اعتماد به نفس کودک بسیار ضروری است چون به رشد سالم او کمک می‌کنند.

درمانگران می‌توانند به شما و سایر اعضای خانواده کمک کنند تا واقعیت زندگی کردن با کودک دچار ناتوانی‌های یادگیری ویژه را بهتر بشناسید و راحت‌تر با آن رو به رو شوید.

تهیه و تنظیم:

علی اسلامبولچی مقدم

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی و مدرس مرکز



رویکردهای مختلف نسبت به خودکشی

۱. رویکرد روان‌شناختی:

مطابق این رویکرد، افراد متمایل به خودکشی دارای اختلال‌های روانی هستند و این اختلال سبب اقدام آنها برای خودکشی می‌شود مانند افسردگی، ناامیدی

۲. رویکردهای جامعه‌شناختی

الف) رویکرد سوسیوژنیک: از این دیدگاه، خودکشی کنشی پرخاشگرانه ناشی از ناکامی است.

مطابق این رویکرد اگر فردی که به شدت دچار ناکامی شده است، محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشد کنش پرخاشگرانه درون گرا یعنی خودکشی و اگر از محدودیت بیرونی قوی رنجیده باشد، کنش پرخاشگرانه بیرون گرا یعنی دیگر کنشی را انتخاب می‌کند.

ب) رویکرد دورکیم: دورکیم برای توضیح عمل خودکشی به تفاوت‌های فردی مانند انگیزه، افسردگی و بیماری روانی توجهی نکرد، بلکه معتقد بود که تبیین خودکشی باید بر حسب علل اجتماعی آن صورت گیرد. از نظر او چیزی که به زندگی ما معنا و هدف می‌بخشد میزان تعلقی و ارتباط ما با جامعه است. وی علت خودکشی را ارتباط آن با انسجام اجتماعی اعلام کرد. دورکیم به جمع‌آوری دقیق آمار خودکشی میان زنان، مردان مجرد، متاهلان، پروتستان‌ها، کاتولیک‌ها و یهودیان پرداخت و براین اساس ۴ نوع خودکشی را معرفی کرد:

۱- خودکشی خودخواهانه (Egoistic suicide)

اگر فرد از جامعه جدا افتد و به امیال شخصی‌اش واگذار شود و پیوندهایش با همگنان را از دست بدهد، برای خودکشی خودخواهانه یا فردگرایانه آمادگی دارد.

۲- خودکشی ناپنجارانه (Anomic Suicide)

اگر تنظیم‌های خنجاریش رفتار فردی سست گردند و از همین رو نتواند تمایلات انسان را مهار و رانمایی کند، از بین رفتن ارزش‌ها ۳- خودکشی قدرگرایانه (Fatalistic Suicide)

این نوع خودکشی زمانی رخ می‌دهد که افراد احساس کنند گروهی را که به آن تعلق دارند رو به نابودی است و از این رو دلیلی برای ادامه حیات خود نمی‌یابند.

۴- دگرخواهانه (Altruistic Suicide)

در این نوع خودکشی، فرد برحسب فرامین اجتماعی، مرگ را برمی‌گزیند بی آنکه در فکر دفاع از حق زندگی خویش باشد. بحث بر سر محو کامل فرد در گروه و وجدان جمعی قوی است. عملیات کازی، عملیات انتحاری

۳- رویکرد هنری و سورت

تنزل منزلت شخص را علت خودکشی می‌دانند و فرد علت این تنزل را در خودش می‌داند و خود را با دیگران مقایسه می‌کند که در ردیف او قرار داشته‌اند و توانسته‌اند ترقی کنند.

۴- رویکرد دیدارشناسان:

انگیزه‌هایی مانند افسردگی و ناامیدی و عدم پذیرش اجتماعی را مطرح می‌کنند.

مارکس علل خودکشی جنس مؤنث را بیان کرده و ستم خانواده را عامل خودکشی زنان می‌داند.

علل و انگیزه‌های خودکشی

۱. تجربه‌های تلخ دوران کودکی ویژگی‌های شخصیتی

۲. تجدد: رشد فردگرایی، شهرنشینی، صنعتی شدن

۳. عوامل اجتماعی مانند فقر، مهاجرت و بیکاری

۴. شرایط اقتصادی

۵. اختلالات روانی و جسمانی



خودکشی عبارت است از هرگونه مرگی که نتیجه مستقیم یا غیر مستقیم کنش مثبت یا منفی خود قربانی است.

تاریخچه

از حدود دو قرن پیش و پس از انقلاب صنعتی در اروپا به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد توجه اندیشمندان این جوامع قرار گرفت. از حدود دو دهه پیش، خودکشی از جنبه دیگری مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. عامل این جلب توجه تغییر گروه سنی قربانیان از میانسالان و سالمندان به نوجوانان و جوانان است. به همین دلیل سازمان جهانی بهداشت روز ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) را به عنوان روز جهانی پیشگیری از خودکشی معرفی کرده است.

اگر نگاهی به آمار خودکشی در جهان داشته باشیم، متوجه خواهیم شد سالانه حدود یک میلیون نفر در سراسر جهان خودکشی می‌کنند. البته ۲۰ برابر این رقم نیز اقدام به خودکشی می‌کنند اما خودکشی کامل اتفاق نمی‌افتد.

بیشترین نرخ خودکشی در سال ۹۵ به ترتیب در کشورهای ایرلند، گویان، لیتوانی، قزاقستان، سریلانکا، کره جنوبی، اسلوونی، ژاپن، مجارستان و لتونی بوده است. نکته مهم آن که هیچ یک از این ده کشور، جوامع مذهبی نیستند.

ایران دارای رتبه ۱۰۸ در بین کشورهای جهان است و در خاورمیانه نیز پس از کشورهای بحرین، ترکیه و افغانستان در رتبه چهارم قرار دارد. نکته‌ای که حائز اهمیت است روند صعودی نرخ خودکشی در ایران است و همچنین ممکن است آمار واقعی تفاوت زیادی با آمار رسمی داشته باشد. زیرا خودکشی همچنان از لحاظ فرهنگی در جامعه ما تابو محسوب می‌شود و بستگان فرد، تا زمانی که مجبور نشوند آن را اظهار نمی‌کنند. هم چنین استفاده از خدمات بیمه برای فردی که خودکشی کرده با موانعی روبه روست. مهمترین دلایلی که باعث می‌شود خودکشی را یک مسئله اجتماعی قلمداد کنیم را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. بحرانی بودن نرخ خودکشی در برخی مناطق کشور

همان‌طور که گفته شد نام ایران در بین ۱۰ کشور، ۵۰ کشور و حتی ۱۰۰ کشور اولی که نرخ خودکشی بالایی دارند قرار ندارد، اما تفاوت نرخ‌های خودکشی در استان‌های مختلف ایران بسیار زیاد است. به طور مشخص در استان‌های غربی، این نرخ بسیار بالاست. استان ایلام، دارای یکی از بالاترین نرخ‌های خودکشی در جهان است و پس از آن کرمانشاه، لرستان، همدان و کهگیلویه و بویراحمد قرار دارند.

۲. خودکشی در ملا عام

میزان و نرخ این نوع خودکشی در سال‌های اخیر در جامعه ما روبه افزایش و نگران کننده است. این روش خودکشی، معمولاً پیام‌های سیاسی- اجتماعی دارد و نشان دهنده اعتراض اجتماعی است.

۳. جوان بودن الگوی خودکشی در ایران

در حالی که میانگین نرخ خودکشی در جهان برای سالمندان سه برابر جوانان است، اما در ایران جوانان ۷۰ درصد بیش از سالمندان خودکشی می‌کنند.

فرایند خودکشی

خط سیر خودکشی را می توان در مراحل زیر مشاهده نمود:

۱. طوفانی شدن مشکلات
۲. پدیدار شدن مشکلات جدید
۳. ناتوانی روزافزون فرد از فراگرفتن تکنیک های انطباق برای مقابله با مشکلات
۴. ناتوانی از برقراری ارتباط با دیگران و ناامید شدن از برقراری رابطه
۱. افزایش هشماری اطرافیان فردی که علائم خودکشی را بررور می دهد
۲. آسان شدن ارتباط با کمک دهندگان، اورژانس و سازمان های مرتبط
۳. اطلاع رسانی
۴. اداره بحران های خودکشی را



تبیین مسئله خودکشی در ایران

مانند هر مسئله دیگری باید به علل و دلایل اصلی پرداختیم و دلایل کاذب و فریب دهنده ما را به بیراهه نکشانند. به نظر می رسد یکی از مهم ترین دلایل: تغییر سبک زندگی طی نیم قرن اخیر است. در دهه اخیر جمعیت شهری ایران از ۳۰ درصد به ۷۰ درصد رسیده است. سبک زندگی شهری به دلیل ایجاد استرس، فرهنگ مصرفی، رقابت اقتصادی و کمبود فضا، ناشکیبایی را به افراد تحمیل می کند. در کنار این عامل، گسستن پیوندهای عاطفی و سنتی که خاص جامعه روستایی است، احساس تنزوا، ارتباطات دیجیتالی و بی تفاوتی جامعه نسبت به فرد، زمینه بروز افسردگی را فراهم کرده است.

پس دو عامل ناشکیبایی و افسردگی را که هر دو ریشه در عوامل اجتماعی دارند می توان به عنوان عوامل مهم خودکشی معرفی کرد. از علل دیگری که می توان برای این موضوع مورد توجه قرار داد:

۱. درباره جوانان به طور اخص می توان به تعارض های بین نسلی، شکست های عشقی و تحصیلی و از بین رفتن حمایت های خانواده در خانواده های نابه سامان، اشاره کرد.

۲. در بین جوانان و نوجوانان، بخشی از خودکشی ها نیز ناشی از یادگیری است. زیرا این گروه های سنی از همسالان و یا گروه های دوستی خود بیش تر تأثیر می پذیرند و رفتارهای آن ها را تکرار می کنند و در این زمینه نقش رسانه ها و فرهنگ عمومی بسیار مهم است.

۳. عامل مهم دیگر درباره خودکشی جوانان نقش نخبگان، مسئولان، والدین و احاد جامعه در رابطه با جوانان است. وجود مسائل و دشواری های اجتماعی - اقتصادی نباید سبب شکوه مداوم احاد جامعه و ایجاد یأس و ناامیدی در جوانان شود. امروزه حجم زیادی از ناامیدی در مدارس و دانشگاه ها به نوجوانان و جوانان منتقل می شود. حجاب نظران به صورت اپیدمی همگی آسیب شناس شده اند و تقریباً هیچ راهکاری ارائه نمی دهند.

صدا و سیما نیز دائماً اخبار جنگ، بلایا و تعداد کشته شدگان را منتشر

می کند. نتیجه این وضعیت پمپاژ یأس و ناامیدی به جامعه به ویژه جوانان است و بدین ترتیب جوان، آمیدی برای دستیابی به آرزوها و آینده خود ندارد. پیامد ناامیدی هم افسردگی و ناشکیبایی است.

عوامل جهان شمول موثر در خودکشی

عوامل اجتماعی، در کشورهای توسعه یافته: احساس تنهایی، طرد شدن، تعارض های زناشویی

عوامل اجتماعی خودکشی در کشورهای در حال توسعه: تعارض های بین نسلی، شکست های عشقی و شکست های تحصیلی - گذار از جامعه سنتی به مدرن: بی هنجاری در شرایط گذار، سست شدن همبستگی اجتماعی، از دست رفتن نظام های ارزشی و منابع حمایتی سابق و جایگزین نشدن آن با نظام های ارزشی و منابع حمایتی جدید.

از بین رفتن حمایت های خانواده و قبیله و شکل نگرش حمایت های اجتماعی دولتی و نهادی سرگشتگی و تعارض را ایجاد و تشدید می کند.

راهکارها

آموزش در زمینه های اجتماعی و فرهنگی می تواند مهارت های مقابله با ناکامی و نحوه مدیریت ناکامی ها را افزایش دهد، همچنین حمایت های اجتماعی باید به گونه ای طراحی شود که فرد احساس نکند تنهاست و از پس حل مشکلاتش بر نمی آید. هرچا فرد پیوندهای ضعیف تری با جامعه داشته باشد احتمال بروز خودکشی افزایش می یابد.

راهکار دیگر می تواند اصلاح مناسبات روابط اجتماعی، مناسبات روابط زوجین و پدر و مادر و فرزندان باشد.

روشن های پیشگیری

در سطح کلان: کاهش تبعیض طبقاتی، کاهش بی کاری، مدیریت بحران های اقتصادی

سطح خرد: آموزش خانواده ها و افراد، کسب مهارت مقابله شرایط ناگوار و استرس زا، آشنا کردن مردم با مراکز درمانی و مشاوره خودکشی.

همچنین راهکار های پیشگیری از این پدیده اجتماعی می تواند در سطوح زیر اجرایی شود:

۱. سطح کلان: کاهش تبعیض ها، مدیریت بحران های اقتصادی - اجتماعی، دوری از فرهنگ مصرفی
۲. سطح میانه: ایجاد نشاط اجتماعی از طریق رسانه های فرهنگی مانند صدا و سیما، وزارت ارشاد و ...، بالا بردن مشارکت، اعتماد و رضایت اجتماعی، توجه به ارتباط صحیح والدین و جوانان نیاز سنجی جوانان از طریق مطالعات پدیدارشناسانه
۳. سطح خرد: آموزش مهارت های مقابله با ناکامی، نحوه مدیریت مسائل زندگی، آشنایی مردم با مراکز مشاوره و درمان روانی

تهیه و تنظیم:

علی نوری؛ دکترای جامعه شناسی گرایش مسایل اجتماعی ایران، پژوهشگر اجتماعی و مدرس مرکز

بیوتروریسم و تهدیدهای نوین

واژه بیوتروریسم از دو بخش تشکیل شده است: بیو و تروریسم؛ بیو به معنای حیات و زندگی است و تروریسم به معنی تهدید و ارباب و کشتن افراد.

در کشور ما، مقوله تروریسم موضوع کاملاً شناخته شده ای است و در طول بیش از سی سال بعد از انقلاب، حقیقتاً کشور ما قربانی ترور بوده است. ترور، تهدید و لرغابی است که به حذف فیزیکی فرد منجر شود. ترور عادی با بمب و تفنگ و اسلحه و مواد منفجره و مانند آن اتفاق می افتد؛ اما در کنار آن، چون استفاده از سلاح در کشورها، روز به روز سخت تر می شود، بعضی ها فکر کرده اند راه های ساده تری هم برای ترور هست که سیستم های اطلاعاتی و امنیتی هم متوجه این روش ها نشوند. این روش ها با استفاده از عوامل بیولوژیک، شیمیایی و رادیولوژیک است که به اولی «بیوتروریسم»، دومی «کیموتروریسم» و سومی «رادیوتروریسم» گفته می شود.

تعریف ساده بیوتروریسم با این مقدمه، چهره زشتی از ترور با استفاده از عوامل سموم بیماری زای بیولوژیک، یعنی با منشأ زیستی (نه شیمیایی که سلاح شیمیایی را به وجود می آورد)، طبیعت و موجودات زنده در عرصه های انسان، دام، محصولات کشاورزی و هر چیزی که با انسان ارتباط پیدا می کند برای ترور، ارباب، صدمه زدن به یک جامعه است؛ یعنی به جای گلوله و تفنگ که استفاده از آنها سخت، خطرناک و قابل رصد است، می آیند از این موارد استفاده می کنند.

روش های بیوتروریستی از استفاده از سلاح به مراتب خطرناکترند؛ چون یک سلاح می تواند یک یا نهایتاً چند نفر را یک بمب مثلاً ۵۰ یا ۱۰۰ نفر را بکشد؛ اما اگر خدای ناکرده آب، هوا، سبزی و داروی یک شهر آلوده گردد، به یک جمعیت گسترده ده ها هزار یا در یک کشور، میلیون نفری آسیب رسانده می شود.

دشمنان و به خصوص تروریست ها وقتی میزان تأثیر گذاری این سلاح را مشاهده کردند، با کمال تأسف به آن بیشتر علاقه مند شدند.

عوامل بیولوژی اصلاً قابل شناسایی و رصد نیستند و شما به راحتی از همه دستگاه های بازرسی می توانید مثلاً یک بسته خرمای آلوده شده را رد کنید. در حالی که این دستگاه ها یک ناخن گیر کوچک را می توانند رصد نمایند، اما به راحتی میکروب ها را رد کرده و وارد کشور می کنند.

عوامل بیولوژیک مورد استفاده در این سلاح و تهدیدها عبارتند از: ویروس ها، میکروب ها، قارچ، انگل، سموم گیاهی و حیوانی، سموم موجود در میکروب ها مانند بوتولیسم.

تصور کنید یک نفر این سم خطرناک بوتولیسم یا هر سم دیگری را وارد آب یک شهر بکند یا در جایی که جمعیت زیادی تجمع کرده اند، از طریق گلاب هایی که روی سر مردم می پاشند، آنها به مردم منتقل کند مردم هم همچنان زنده، خیال می کنند این طرف دارد کار خیر انجام می دهد. راه های انجام این تهدیدات به قدری ساده است که حتی نیروهای امنیتی هم نمی توانند این اقدامات را متوجه شوند.

این عوامل تهدید را با چه روش هایی به کار گرفته می شوند؟

روش های به کار گیری این عوامل بسیار گسترده است. در میان چهار روش کشتار جمعی که اشاره شد، فقط این روش زنده است، بقیه مرده اند؛ یعنی شیمیایی، رادیولوژیک و هسته ای مواد مرده هستند؛ ولی عوامل بیولوژیک البته غیر از سم که محصول عامل بیولوژیک است زنده اند و تکثیر می شوند.

به همین علت هم هست که این روزها اخبار بیوتروریسم بیشتر شده و با آن جدی تر از قبل مواجه هستیم. چون زنده است، می تواند تکثیر شود. متأسفانه بستر تکثیر هم فراهم است. مثلاً موضوع زباله در شهرهای ما، اصلاً مقوله کنترل شده ای نیست. مردم رعایت نمی کنند، جوی های آب آلوده به مواد غذایی می شود و این زباله های غذایی بستر رشد میکروب ها می شوند. بنوی گند زباله یعنی رشد میکروب. موش و بقیه حیوانات هم منتقل کننده و دامن زنده به این بیماری ها هستند.

دارو نیز یکی از روش های بیوتروریسم است. نمونه آن ماجرای فاکتور ۸ است که از طریق داروهای آلوده فرانسوی، صدها نفر را به هموفیلی و ایدز مبتلا کرده اند. برخی از شرکت های دارویی هم هستند که از طریق قاچاق، داروهای آلوده را به کشورها وارد می کنند.

جوانان ما بستر تهدیدهای بیولوژیک هستند؛ چون در سن باروری و تصدی مدیریت ها هستند. مثلاً سالن های ورزشی یکی از اهداف تهدیدات بیولوژیک هستند شواهد نشان می دهند که مکمل هایی که در بدن سازی استفاده می شوند، عقیم کننده اند، برخی داروهای کنترل بارداری نیز ممکن است در نهایت، منجر به عوارض جبران ناپذیری بشوند.

از موارد بسیار مهم بیوتروریسم، غذاست. سازمان بهداشت جهانی شعار سال ۲۰۱۵ میلادی را امنیت غذایی از مزرعه تا سفره

نامید. چرا چون غذا به عنوان یک ضرورت غیر قابل اجتناب، مورد مصرف روزانه بشر از تولد تا مرگ است. اخیراً موضوع ایمنی و امنیت غذا به شدت مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا بسیاری از بیماری ها از طریق آب و غذا منتقل می شوند؛ چه به شکل بیماری های حاد یا بیماری های مزمن که پس از سال ها بروز پیدا می کنند.

آلودگی مواد غذایی به انواع مواد شیمیایی، سموم و میکروب ها، می تواند به شدت مشکل ساز شود. دشمن می تواند با آلوده کردن مواد غذایی چه وارداتی چه داخلی، کشوری را دچار مشکل کند. بروز انواع آفات در محصولات کشاورزی و دامی می تواند عمده باشد. پس باید خیلی مراقب بود.

حال موضوع جدیدتری هم در ۲۰ سال گذشته مطرح شده است و آن هم ورود محصولات غذایی دستکاری شده ژنتیکی یا تراریخته به بازار جهانی است که به GMO معروف است. شکی در این نیست که از فناوری های نوین زیستی باید برای ارتقای کیفیت و کمیت مواد غذایی استفاده شود؛ ولی ابهاماتی در مورد سلامتی محصولات تراریخته، مثل برنج، ذرت، سویا و... برای انسان و طبیعت وجود دارد. این محصولات قبل از ورود به مزرعه باید آزمایش های مختلف ایمنی را طی کنند و از طرف مسئولان مربوطه مجوز دریافت کنند. حال با کمال تأسف می شنویم هزاران تن از این محصولات، به عنوان خوراک دام یا روغن یا حتی محصول قابل مصرف، مثل برنج و ذرت وارد می شوند؛ در حالی که مردم اطلاع ندارند که تراریخته است یا بذر های تراریخته وارد مزارع کشور شده است.

سوال اینجاست که آیا نظارتی بر اینها هست، که کنترل شده باشند؟ آیا آزمایش های لازم برای ایمنی آن برای مردم و طبیعت انجام شده است؟ آیا مجوز اخذ شده است؟

هدف بعدی بیوتروریسم غذای شماست! به علت این تنوع گسترده و عجیب راه های تهدید بیولوژیک، باید در خرید مواد خیلی دقت کرد. البته وظیفه مسئولان نظام این است که نگذارند این مواد به دست مردم برسد، ولی بد نیست خود مردم هم در خرید ها دقت کنند.

در دنیای کنونی، حملات بیوتروریستی از ناحیه کدام کشورها و گروه ها بیشتر صورت استفاده قرار می گیرد؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید ببینیم کشور مورد مطالعه ما چقدر تهدیدپذیر است؟ مثلاً کشورهای «سویس» و «سوئد» از نظر ما نسبتاً کشورهای امنی به شمار می آیند، اما کشوری که به دنبال استقلال باشد یا دشمنی داشته باشد، این کشورها

قطعا تهدید پذیر ترند.

متأسفانه بعد از اینکه شناسایی تروریست های انتحاری راحت تر شده است، الآن ما انتحاری های بیوتروریستی را می بینیم که به وجود آمده اند. به فرد یک لیوان آب آلوده می نوشاند. یک هفته زمان لازم است تا علائم بیماری نمایان شود. وی به راحتی بدون آنکه چیزی مشخص شود از مرز رد می شود. بعد از چهار روز علائم بیماری نمایان می شود و او سراغ آب شهر و اماکن شلوغ می رود و ... به این ترتیب، الآن دارد چهره تروریسم عوض می شود و باید به بیوتروریسم جدی تر از قبل توجه شود؛ مثلاً می توانند در مترو آدامس هایی فوق العاده ارزان توزیع بشود و هزاران نفر را آلوده کنند یا در مهد کودک ها و ... خیلی روش ها دارد که رصد آن را مشکل می کند.

رشته های نوینی مثل مهندسی ژنتیک و سنتز بیولوژیک آمده که با آنها، ویروس سنتز می شود و دانشمندان مراکز تحقیقاتی نظامی هر طور بخواهند می توانند، ویروس جدید را سنتز می کنند؛ یعنی ویژگی های چند ویروس را انتخاب و با هم ترکیب کرده و یک ویروس جدید می سازند. به همین دلیل، به اینها تهدیدات نوین و جنگ نوین گفته می شود.

برخی مقالات انتشار یافته در منابع معتبر، نشان دهنده استفاده از روش های نوین مهندسی ژنتیک جهت تولید عوامل بیولوژیک نوین، موسوم به کایمرا یا ترکیبی است که بسیار خطرناک تر از ویروس های طبیعی اند.

ایا می توان سلاح های بیولوژیک را تقسیم بندی کرد؟

همان طور که سلاح های نظامی را به دوربرد و نزدیک برد دسته بندی کرده اند، این سلاح ها را به سه دسته الف، ب و ج تقسیم کرده اند. از یک منظر دیگر هم به پنج دسته ویروس، باکتری، قارچ، میکروب و سم تقسیم می شوند. از منظر دیگر هم انسانی، گیاهی، دامی و حتی اهداف صنعتی.

طبقه بندی عوامل بیولوژیک بر اساس میزان شدت و حاد بودن آن که به گروه الف و ب و ج تقسیم بندی می شود، مهم است. بعضی از این ویروس ها و باکتری ها سموم که خیلی خطرناک اند، اینها را در دسته الف جا می دهند. دسته الف به عوامل کشنده و با قدرت واکیم خیلی زیاد گفته می شود. مثل ویروس آبله انسانی که همیشه در صدر فهرست الف است؛ هر چند ریشه کن شده؛ اما ویروس آن وجود دارد. خیرهای بیماری ابولا را شنیده اید که چه کرد؟ نزدیک به ۱۸۰۰۰ نفر را در کشورهای آفریقایی در سال گذشته، کشت. کسی که به این ویروس مبتلا بشود، درمانی ندارد و تقریباً ۹۰٪ می میرد. CCHF یا همان تب کریمه «کنگو» از

جمله تب های هموراژیک (خونریزی دهنده) است که خون رقیق می شود و از همه مجاری انسان (گوش، بینی، چشم، ...) بیرون می زند. هاری، آنفولانزای خوک و ... اینها همه ویروس های بیولوژیک خطرناک هستند.



در میان باکتری ها هم سیاه زخم، باکتری فوق العاده خطرناک و کشنده ای در دام هاست و انسان به سه شکل گواشی، پوستی و خونی، ریوی و تنفسی آن را می گیرد. نوع ریوی آن، از بقیه خطرناک تر است و حتماً می کشد. همین طور میکروب طاعون که بسیار کشنده بوده و در تاریخ، داستان های مرگ گسترده آن، به اسم طاعون سیاه معروف است.

ویروس هایی را که کمی ضعیف ترند، آنها را به دسته ب می برند. اینها ناتوان کننده اند؛ نه کشنده. مثلاً «نورو ویروس» یک ویروس است که چنان شما را دچار ضعف می کند که تا چند روز، رمقی هیچ کار و حرکتی را ندارید. در اینها، باید آب بدن را کنترل کرد، چون مرتب از بدن آب دفع می شود؛ اما همین عامل ناتوان کننده را تصور کنید که به یک پادگان یا لشکر منتقل کنند، نمی کشد اما به راحتی یک نیرو را می تواند زمین گیر کند و زمینه شکست خوردن آنها را فراهم کند. در جنگ بیولوژیک وقتی دشمن بخواهد یک منطقه را تصرف کند، سه روز قبل از حمله نظامی، یک ویروس را در منطقه پراکنده می کند. بعد از سه روز علائم بیماری که نمایان شد، حمله نظامی اش را آغاز می کند.

سموم بیولوژیک الآن در بیوتروریسم خیلی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ما انواع سموم را در طبیعت داریم و در تاریخ هم از آنها استفاده می شده است. برای نمونه، یکی از سموم، دانه کرچک است که سعی به نام ریسین تولید می کند. ۷ تا ۱۰ دانه کرچک تازه را اگر حواستان نباشد و به جای لوبیا بجوید، دچار اسهال و استفراغ شدید می شوید که اگر شما را بستری نکنند، کشنده است. پوست این گیاه، سمی دارد به نام ریسین که در بیوتروریسم مورد استفاده صهیونیست ها قرار می گیرد. آن را استخراج می کنند و درون کپسول هایی می گذارند. در اولین فرصت، درون آب یا قهوه شخصی می

ریزند و فرد ۴۸ ساعت بعد می میرد. سقراط را هم با یک سم طبیعی به نام شوکران کشتند. ائمه ما علیهم السلام همه با سم کشته شده اند. این ملجم می گویند، من هزار درهم دادم تا شمشیرم را به سخی آغشته کنم که می تواند شهری را بمیراند. آن موقع در استفاده از سمومی که از خاک، حیوانات و گیاهان می گرفته اند، خیلی پیشرفته بوده اند. الآن هم آفریقایی های بومی، به اشکال مختلف از سموم گوناگون، استفاده می کنند؛ مثلاً «سم کورار» از یک گیاه است که به سر نیزه هایشان می زنند یا گیاهی را به آب می زنند، ماهی ها پی حال می شوند و به راحتی آنها را صید می کنند. سم های جانوری هم مثل مار، عقرب یا انواع قورباغه ها و ... است. مثلاً نوعی قورباغه بسیار کوچک است و حدود یک گرم وزن دارد؛ ولی پوستش می تواند ده نفر را بکشد. اما فرد چون نمی فهمد و می بیند زیبا و ناز است، شروع می کند به بازی و حواسش نیست و از طریق پوست سموم می شود. البته این قورباغه ها در جنگل های مناطقی حاره است. جالب اینکه همه سموم طبیعی، مانند مار و عقرب و زنبور و ... همه کاربرد دارویی هم دارند؛ ولی متأسفانه افرادی با افکار خطرناک از این نعمت های طبیعی، برای بیوتروریسم، سوء استفاده می کنند.

در میان همه این سم ها، از همه خطرناک تر و بی نظیر تر، یک باسیل، به نام «بوتولیسم» است که از باکتری اسپور دار که در خاک هست، ترشح می شود. اینکه تا یک نفر زمین می خورد برای جلوگیری از مسمومیت، او را بستری می کنند و واکسن می زنند، به دلیل همین عوامل خطرناک در خاک است؛ مثل باکتری کزاز و بوتولیسم. متأسفانه میکروبیولوژیست های دیوانه ارتش های مختلف، آن را تولید کرده اند و در طرف هایی ریخته اند تا در مواقع نیاز، به عنوان سلاح استفاده کنند. جالب است بدانید این سم، کاربردهای پزشکی فراوانی دارد. بوتوکس که در زیبایی و از بین بردن چروک ها استفاده می شود یک میلیونوم رقیق شده این سم است. یعنی با یک قطره از یک بشکه آب آلوده به یک قطره از آن، به راحتی می توان یک نفر را کشت.

توبیه و تنظیم:

پروانه افشاری

دانشجوی کارشناسی تربیت مربی پیش دبستان

منبع:

http://www.dralikarami.com/articles_view/articles.html

پروفسور علی کریمی، متخصص بیوتکنولوژی (زیست فناوری)

فرشکی و فوق تخصص مهندسی ژنتیک (ایمنی زیستی)

امیت زیستی، بیو انفورماتیک

شرکت تعاونی
پیشگازان آئین زندگی

آموزش توانبخشی
فروشگاه ورزشی

تأسیس سال ۱۳۷۷